نگاه

خوشامدگویی به همگرایی منطقه‌ای

سیدقاسم ذاکری
کارشناس مسائل بین‌الملل

● در پرتو برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو مجمع صادرکنندگان گاز، سران و مسئولان عالی‌رتبه برخی از مهم‌ترین همسایگان ایران در تهران جمع شدند. از آنجا که منطقه ما از یک‌طرف شاهد دوران گذار و انتقال تازه‌ای است و از طرف دیگر با مشکلات، تهدیدات و نابسامانی‌های فراوانی مواجه است، در نتیجه هر بهانه و فرصتی برای تماس، همکاری و رایزنی رهبران منطقه با همدیگر مغتنم خواهد بود. اهمیت روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین و مقتدرترین همسایه ایران از آن جهت است که علاوه بر ظرفیت ژئوپلیتیک ویژه و منحصربه‌فردی که از آن برخوردار است، یک قدرت مستقل در سیاست جهانی به‌شمار می‌رود. بدون‌شک بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و امکانات روسیه به‌نفع ثبات و تقویت فرایندهای همگرایی منطقه‌ای در محیط پیرامونی کشورمان است به‌ویژه آنکه روسیه گستره وسیعی از محیط امنیتی ایران را دربر گرفته و فراتر از آن، یکی از عناصر مهم متصل‌کردن محیط امنیتی ایران به دیگر نقاط جهان از جمله اروپا و شرق آسیاست.

تجربه ثابت کرده است که یکی از بهترین ابزارهای تقویت ثبات و امنیت در جهان، اهتمام به فرایندهای همگرایی منطقه‌ای است چنان‌که در منطقه ما نیز ساختارهایی نظیر سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو حتما به‌نفع گسترش همکاری و ثبات منطقه‌ای بوده است. در روابط ایران با روسیه علاوه بر ظرفیت‌های فراوانی که در روابط دوجانبه فیمابین وجود دارد و استفاده از آنها به‌نفع طرفین است لازم است بیشتر از گذشته به فرایندهای همگرایی منطقه‌ای توجه شود مخصوصا در عرصه‌هایی نظیر حوزه خزر، آسیای میانه بزرگ، احیای مسیر طبیعی و سنتی جاده ابریشم، سازمان همکاری‌های شانگهای، کریدور شمال- جنوب، اتحادیه گمرکی اوراسیاگرایی و تقویت همکاری‌های حوزه اوراسیا با جنوب و غرب آسیا. در این رابطه انتظار متقابل ما از همسایه مقتدر شمالی آن است که اینک پس از رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران و حل‌وفصل سیاسی مسئله هسته‌ای، به فرایند برطرف‌کردن موانع تبدیل عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای از عضویت ناظر به عضویت اصلی کمک کند، همچنین در برطرف‌کردن موانع برای رونق‌یافتن کریدور شمال- جنوب که حلقه اتصال غرب و جنوب آسیا به اروپا، آسیای مرکزی و قفقاز است مساعدت کند. فقدان سازوکاری مشخص برای تقویت همکاری‌های متقابل ایران و روسیه در آسیای میانه، قفقاز و افغانستان به‌ویژه در پرتو تهدیدات منطقه از ناحیه گسترش تروریسم و بی‌ثباتی و امکان انتقال بحران‌های خاورمیانه به مناطق یادشده نقیصه بزرگی است که باید برطرف شود. همکاری‌های گذشته ایران و روسیه در بحران‌هایی نظیر افغانستان و تاجیکستان در دهه ۹۰ از قرن گذشته و مهم‌تر از آنها همسویی طرفین در بحران سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بحران‌های راهبردی در نظام بین‌الملل می‌تواند پایه‌های مستحکمی برای اعتماد طرفین به همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کند بنابراین لازم است زین‌پس رایزنی‌ها و همکاری‌های ایران و روسیه در خاورمیانه نیز ادامه داشته باشد. در این رابطه به‌طور مشخص توصیه می‌شود درست مانند نمونه‌های روابط روسیه با بسیاری از کشورهای جهان، سازوکار دائمی رایزنی‌های سران و وزرای خارجه دو کشور ایران و روسیه ایجاد شود. هرچند تصور این است که هدف اصلی از تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابرجام درواقع تنش‌زدایی در روابط ایران با کشورهای غربی بوده ولی بدون‌شک بهبود روابط ایران با غرب به‌هیچ‌وجه به‌منزله مصادره اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران در حوزه همسایگان نیست، به‌عبارت بهتر یکی از اهداف ایران از تنش‌زدایی با غرب ایجاد شرایط بهتر برای تسهیل در روابط با همسایگان بوده است مخصوصا آنکه در بسیاری از موارد درک و برداشت ایران از مشکلات منطقه همچنین راه‌حل‌های این مشکلات در مقایسه با بینش و راهکارهای غربی به بینش و راه‌حل‌های همسایگان نزدیک‌تر بوده است.

خبر

ارائه گزارش آژانس با نظرات تیم ایرانی

● **ایرنا:** «حمید بعیدی‌نژاد»، رئیس تیم کارشناسی مذاکره‌کننده ایران، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «هیأت ایرانی در وین با تیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار و گفت‌وگو کرد. در این جلسه محورهای جمع‌بندی آژانس از مجموعه یافته‌های خود از موضوع پی.ام.دی قبل از ارائه گزارش نهایی که قرار است روز ۱۰ آذر منتشر شود، مورد بررسی قرار گرفت. دیدگاه‌های ایران درخصوص ابعاد مختلف این جمع‌بندی آژانس، مستقیما به آمانو و معاون او اعلام شد ... آنها نیز اعلام کردند که حتی‌الامکان این نظرات را در گزارش نهایی مدیرکل آژانس در نظر می‌گیرند».

بهرام امیراحمدیان در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

اشتراکات و اختلافات ایران و روسیه در سوریه

زینب اسماعیلی

پوتین رسیده نرسیده به مسکو، با ماجرای سقوط جنگنده روس توسط ترکیه مواجه شد؛ موضوعی که می‌تواند ماجرای سوریه و مبارزه با داعش را پیچیده‌تر از آنچه بوده، کند. سه‌شنبه‌شب، محمدجواد ظریف با سرگئی لاوروف، همتای روس خود گفت‌وگوی تلفنی داشت. ظریف با اشاره به سرنگونی جنگنده روسیه از اینکه، این‌گونه رویدادها منجر به تشدید بحران سوریه و ارسال پیام اشتباه به گروه‌های تروریستی شود، ابراز نگرانی کرد. ماجرای سقوط این جنگنده، سفر پوتین به تهران و نقش منطقه‌ای مسکو را در گفت‌وگو با بهرام امیراحمدیان، کارشناس مسائل روسیه بررسی کردیم.

روسیه دور جدیدی از نقش خود را در منطقه ایفا می‌کند. چگونه مسکو به این نقش دست یافت؟

در تحولات کنونی منطقه برخی پیچیدگی‌ها دیده می‌شود. آقای پوتین در حالی به تهران سفر کرد و در اجلاس کشورهای صادرکننده گاز شرکت کرد که ایران به‌طور چشمگیری صادرکننده گاز نیست، اما روسیه صادرکننده عمده گاز در جهان است. پوتین در دوره آغازین ریاست‌جمهوری (سال ۲۰۰۰) خود هم علاقه‌مند بود که در منطقه و خاورمیانه نقش بیشتری داشته باشد، ولی بعدها معلوم شد که از لحاظ توانایی‌های مادی و سیاسی امکان حضور چشمگیری را در همه خاورمیانه ندارد. خاورمیانه هم دچار تحول و موضوع «خاورمیانه بزرگ» مطرح شده بود. پوتین به حاشیه خلیج‌فارس و برخی کشورهای خاورمیانه سفرهایی داشت، اما موفقیتی حاصل نشد. بعد از این دوره، میل پوتین هم فروکش کرد؛ البته غرب هم علاقه‌ای به حضور روسیه در منطقه خاورمیانه نداشت. بعد از بهارعربی که ادامه همان بحث خاورمیانه بزرگ بود، شاهدیم روسیه باز هم علاقه‌مندی نشان داد تا در منطقه نقش ایفا کند و فعال‌مایشا شود. یک نکته اساسی در این بین است که روسیه برای حضور نظامی در منطقه پایگاه دریایی ندارد؛ به همین دلیل دنبال یارگیری برای حضور نظامی در منطقه است و این هیچ‌گاه به دست نیامد، مگر در سوریه و در شرق دریای مدیترانه که شوروی، بندر طرطوس را اجاره کرد و ناوهای خود را در آن مستقر کرد و این تنها بندر ماورأبحار روسیه در مدیترانه به شمار می‌رود.

چندی است که روسیه در بحران سوریه دخالت نظامی هوایی دارد. روسیه و سوریه سابقه تاریخی رابطه با هم دارند؟

سوریه از دوره حافظ اسد با شوروی و بعد از فروپاشی شوروی با روسیه همکاری نزدیک دارد. ازاین‌جهت که ساختار ارتش بعث سوریه با سلاح‌های روس تجهیز شده، این روند همکاری ادامه پیدا کرده. از طرف دیگر، خصومت غرب با سوریه به دلیل قرارداشتن در جبهه مبارزه با صهیونیسم و درگیری با اسرائیل بر سر مسئله جولان باعث شد، دمشق بیشتر به داشتن ارتباط با روسیه گرایش پیدا کند. بعد از این اتفاقات، آرام‌آرام روسیه به این نتیجه رسید که وارد عرصه شود و با درخواست رسمی دولت سوریه وارد بحران سوریه و عملا منطقه خاورمیانه شد و به ارتش سوریه کمک کرد که بر تروریسم و مسائلی که با آن درگیر است، فائق آید.

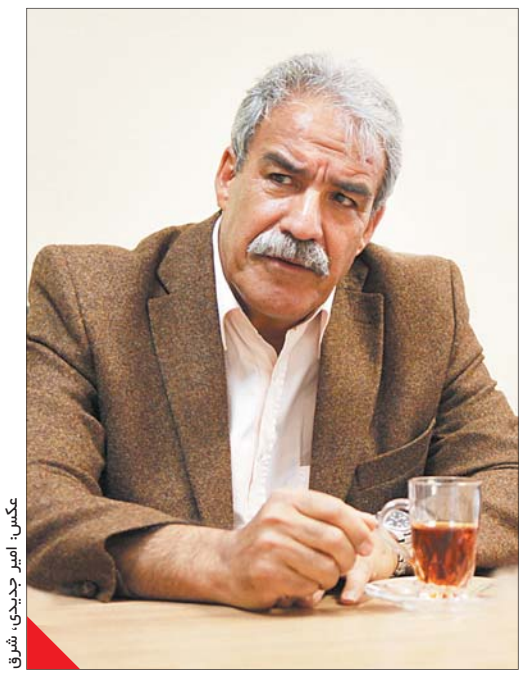

عکس: امیر جدیدی، شرق

ترکیه یک جنگنده روس را سرنگون کرده. در شرایطی که ایران و روسیه در همکاری با هم قرار دارند، ممکن است که معادله ایران، ترکیه و روسیه پیچیده‌تر از این شود؟ تحلیل شما در مورد این شرایط چیست؟

از آغاز عملیات که هواپیماهای جنگی روسیه در فضای سوریه به مانور پرداختند گاهی به دلیل اینکه در شمال سوریه و مرز جنوبی با ترکیه، احتمال داده می‌شد که نیروهای داعش و تروریست‌ها حضور داشته باشند، این هواپیماها می‌توانستند عملیات نظامی یا گشت هوایی انجام دهند. در این مرحله برخوردهایی صورت گرفت و ترکیه ادعا کرد که چندبار روسیه مرزهای هوایی‌اش را نقض کرده، اما با عضویت ترکیه در ناتو، این مرز هوایی ناتو هم محسوب می‌شود؛ از همین‌رو این مسئله را با ناتو مطرح کرد و این موضوع را پیچیده‌تر کرد. تا جایی‌که شاهدیم یک هواپیمای نظامی سوخو ۲۴ سرنگون شده و ترکیه ادعا می‌کند که این هواپیما وارد حریم هوایی‌اش شده بود و در عرض چند دقیقه چندین‌بار تذکر داده‌اند که وارد حریم هوایی ترکیه شده و باید خارج شود، ولی گویا آنها اعتنا نکرده‌اند، به همین دلیل ترکیه به آن شلیک کرده است. در حال حاضر مسئله خیلی پیچیده شده، اگر روسیه بتواند ثابت کند که این اتفاق در محدوده قلمروی هوایی سوریه رخ داده و آنها اشتباه کرده‌اند، ترکیه است که باید پاسخ‌گو باشد. اما اگر در محدوده مرزهای هوایی ترکیه رخ داده باشد روسیه باید پاسخ‌گو باشد.

این اتفاق به دنبال حضور پوتین در تهران رخ داد، ممکن است ماجرای این جنگنده پیام خاصی داشته باشد؟ حتی ایران مجبور شود که با روسیه همراهی خاصی از خود بروز دهد؟

ایران با روسیه هر دو در جبهه سوریه حضور دارند، اما حضوری متفاوت، ایران می‌گوید که در سوریه مشورت نظامی می‌دهد و در حقیقت وارد فاز عملیاتی نشده است. ایران و روسیه با هم در سوریه اهداف مشترک ندارند، ایران و سوریه و لبنان در جبهه مقاومت و مخالفت با اسرائیل قرار دارند، اما روسیه با اسرائیل روابط نزدیکی دارد. نمی‌توان گفت که ایران و روسیه در سوریه منافع مشترک دارند. این موضوع درگیری بین روسیه و ترکیه است که منجر به درگیری ایران با ترکیه نمی‌شود. اگر کسی بخواهد معترض و وارد صحنه شود روسیه است. ایران با ترکیه همسایه است و به نظر من ایران در این مسئله جانبداری نخواهد کرد. این مسئله به ناتو، سوریه و روسیه مرتبط است. این موضوع ربطی به حضور پوتین در تهران ندارد.

مذاکرات پوتین در تهران علاوه بر همکاری مشترک دو کشور، بر مسائل منطقه و تروریسم و سوریه نیز متمرکز بود. آقای اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه، هم به واشنگتن سفر کرده و بعد از آن قرار است به مسکو سفر کند. ممکن است پوتین در این شرایط بین ایران و شرکای دیگر نقش واسطه و میانجی بازی کند؟

من چنین نمی‌پندارم. به این سبب که ایران در فضای بین‌الملل موقعیت خوبی دارد. آقای اولاند هم از ایران برای مبارزه با تروریسم کمک خواست. بنابراین راه روابط ایران و غرب باز است و نیاز به میانجی ندارد. روسیه در غرب کنار گذاشته شده، در مورد سوریه ممکن است که غرب با روسیه همکاری کند. در این مورد که اروپا و غرب بخواهد در مبارزه با تروریسم به‌ویژه افراط‌گرایی و بنیادگرایی با ایران همکاری کند، کانال‌ها باز است چون در سطح وزیرخارجه ایران و آمریکا و وزرای خارجه دیگر مذاکراتی انجام شده است.

مذاکرات او در تهران علاوه بر تروریسم بر چه محورهایی متمرکز بود؟

به نظر می‌رسد که مذاکرات در مورد تروریسم خیلی اساسی بود. موضوع قاچاق مواد مخدر و مبارزه با تروریسم دو موضوعی است که سال‌ها با هم در آن همکاری داریم و مقامات امنیتی دو طرف در این مورد اسنادی امضا کرده‌اند. مذاکرات رهبران دو کشور در ایران بیشتر بر همکاری‌های دوجانبه و منطقه و مسئله سوریه متمرکز بود. موضوع دیگر هم گاز بود. براساس گزارش «بریتیش‌پترولیوم» در سال ۲۰۱۴ ، میزان ذخایر اثبات‌شده ایران به‌طورناگهانی با ۳۴ تریلیون مترمکعب از روسیه جلو زده و ایران دارای بیشترین ذخایر گاز اثبات‌شده جهان است. ذخایر اثبات‌شده نفت ایران هم بیش از روسیه است و ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است. دستگاه دیپلماسی کشور هم توانسته ایران را به جایی برساند که حق کشور بوده است. در شرایط کنونی اگر ایران در صحنه خوب بازی کند، می‌تواند فضای کشور را از موقعیت جغرافیایی به موقعیت ژئوپلیتیک تغییر دهد. این اتفاق با سیاست داخلی منسجم و سیاست خارجی عاقلانه و هوشمندی می‌تواند رخ دهد.

ادامه از صفحه اول

معمای جنگنده روسی

ترکیه می‌گوید نمی‌دانسته هواپیما روسی بوده است. اگر چنین فرضیه‌ای را قبول کنیم، تصویر حادثه اندکی تغییر می‌کند. روابط مرزی سوریه و ترکیه در سه سال گذشته در آشفته‌ترین حالت خود بوده است. این موضوع زمانی شدت گرفت که در سال ۲۰۱۲ یک جنگنده آراف۴ نیروی هوایی ترکیه توسط پدافند هوایی ساحلی سوریه سرنگون شد و تنش مرزی میان دو کشور به اوج خودش رسید. از این زمان به بعد ترکیه شدت عمل پدافند خود روی مرزهایش با سوریه را افزایش داد. به‌طوری‌که یک سال بعد، پدافند هوایی ترکیه ابتدا یک هلیکوپتر میل۱۷ سوری را روی مرز این کشور سرنگون کرد و به فاصله چند ماه بعد، یک میگ۲۳ نیروی هوایی سوریه نیز توسط اف۱۶های نیروی هوایی ترکیه سرنگون شد. به‌این‌ترتیب اگر تصور کنیم ترکیه جنگنده روسی را با جنگنده سوری اشتباه گرفته، تصویر ماجرا کاملا تغییر می‌کند. مشکل اینجاست که این ادعا را نمی‌شود به‌سادگی پذیرفت. به‌ویژه که همین حالا هم افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی باور دارند که ترکیه می‌خواهد با این بهانه، ماجرا را این‌طور توجیه کند. به‌ویژه که ادعای ترکیه مبنی بر اطلاع‌نداشتن این کشور از روسی‌بودن هواپیما، یک روز پس از سانحه منتشر شده است؛ آن‌هم پس از مجموعه غریبی از اقدامات دولت ترکیه و تماس‌نگرفتن به‌موقع مقامات این کشور با روسیه برای جلوگیری از افزایش تنش‌های احتمالی که پیامد مستقیم چنین حادثه‌ای شمرده می‌شوند. اما مشکل دیگری هم هست. اگر ترکیه واقعا تا این حد نسبت به نقض حریم هوایی‌اش توسط رقبای منطقه‌ای خود ناخشنود است، آیا حاضر است با پیامد برخورد مشابهی از سوی همسایگانش نیز کنار بیاید. براساس گزارشی که ویکی‌لیکس به‌تازگی منتشر کرده، جنگنده‌های ترکیه فقط در سال گذشته میلادی دوهزارو ۲۴۴ مرتبه حریم هوایی یونان را نقض کرده بودند؛ یونانی که ترکیه از دیرباز روابط بسیار پرچالشی با این کشور داشته و دوطرف حتی درگیری هوایی مرزی هم داشته‌اند. به‌این‌ترتیب اتخاذ تصمیمی مشابه از سوی یونان می‌توانست به شرایطی مشابه یا حتی بدتر برای ترکیه بدل شود. شاید سؤال اصلی این باشد در شرایطی که حتی فرانسه و بسیاری از کشورهای غربی در جنب‌وجوش یارگیری برای مقابله با داعش هستند، ترکیه دقیقا می‌خواهد کجای صفحه شطرنج حوادث خاورمیانه قرار گیرد؟

پس از ۴۰ روز شایعه و گمانه‌زنی

جان‌باختن رکن‌آبادی تأیید شد

حدودا ۴۰ روز از خبر مفقودشدن «غضنفر رکن‌آبادی» گذشت تا بالاخره روز گذشته انتظارات و گمانه‌زنی‌ها با خبر جان‌باختن او در حادثه منا به پایان رسید. مسئولان کشور و خانواده مرحوم رکن‌آبادی این خبر را روز چهارشنبه تأیید کردند. پیکر این دیپلمات ایرانی شناسایی و قرار شد امروز به تهران منتقل شود. روز دوم مهرماه امسال بود که تعداد زیادی از زائران خانه خدا در هنگام انجام مراسم رمی جمرات به دلیل ازدحام جمعیت که گفته می‌شود ناشی از سوءمدیریت سعودی‌ها بوده است کشته و زخمی شدند. اگرچه تعلل سعودی‌ها در تلاش برای شناسایی جان‌باختگان و انتقال پیکر ایشان به کشورهای‌شان تامل‌برانگیز بود، اما بالاخره بعد از گذشت چندین روز از این حادثه، وضعیت عده زیادی از آنها مشخص شد و فرآیند انتقال اجسادشان آغاز شد. نام چهار دیپلمات ایرانی در میان زائران دیده می‌شد که وضعیت سه نفر از آنها با قرار گرفتن درفهرست جان‌باختگان مشخص شد. این در حالی بود که خبری از رکن‌آبادی نبود و کماکان نامش در فهرست مفقودان باقی ماند.

گمانه‌زنی‌ها پیرامون مورد عجیب رکن‌آبادی

ادامه‌پیداکردن ابهام درباره وضعیت این دیپلمات ایرانی که قبلا مسئولیت سفارت ایران در لبنان را نیز بر عهده داشت، تبدیل به مسئله‌ای رسانه‌ای شد که اما و اگرهای فراوانی را به‌دنبال داشت. این بحث‌های رسانه‌ای تا جایی پیش رفت که شبکه تلویزیونی «العربیه» سعودی مدعی شد «کسی با نام رکن‌آبادی وارد عربستان نشده است»، ادعایی که «مرضیه افخم»، سخنگوی وزارت امور خارجه وقت کشومان آن را رد کرد. انتشار فیلمی از رکن‌آبادی در صحرای عرفات و در مراسم برائت از مشرکین در حال قرائت بیانیه شبهه حضور او در عربستان را رد کرد. «العربیه» با طرح این ادعا که نام رکن‌آبادی در هیچ‌یک از ورودی‌های عربستان ثبت نشده است، گفت: «سفیر پیشین ایران در لبنان برای مأموریت امنیتی به عربستان رفت». اما ساعتی بعد از انتشار این ادعا، مرضیه افخم گفت: «ایشان با گذرنامه عادی خود عازم سفر حج شده‌اند و اطلاعات دقیق پاسپورت مربوط به همه حجاج و از جمله وی در اختیار مراجع رسمی دولت سعودی است. ازاین‌رو هیچ‌گونه شائبه‌ای درخصوص اطلاعات و جزئیات مربوطه و نحوه ورود وی به کشور عربستان وجود ندارد».

شایعه‌ربایش رکن‌آبادی

خبر جان‌باختن رکن‌آبادی نیز که در رسانه‌ها مطرح شد از آن‌جایی مورد تأیید قرار نگرفت که شاهدان عینی مطرح کرده بودند که رکن‌آبادی را در هنگام ورود به آمبولانس برای انتقال به بیمارستان زنده دیده بودند. با توجه به سابقه رکن‌آبادی در سفارت ایران در لبنان و ماجرای سوءقصد به او در این کشور عده‌ای شائبه ربایش او در عربستان و انتقالش به رژیم صهیونیستی را مطرح کردند. غضنفر رکن‌آبادی، سال ۹۲ در بیروت مورد سوءقصد حمله‌ای تروریستی قرار گرفت. حمله‌ای تروریستی که منجر به شهادت ۲۵ نفر از جمله ابراهیم انصاری، رایزن فرهنگی ایران در لبنان، همسر یکی از دیپلمات‌های ایرانی و چهار نفر دیگر از محافظان سفارت و همچنین زخمی‌شدن بیش از ۱۵۰ نفر دیگر شد.

رکن‌آبادی در فهرست جان‌باختگان

چند روز پیش خانواده مرحوم رکن‌آبادی برای بررسی وضعیت او و پایان دادن به ابهامات راهی عربستان‌سعودی شدند و بالاخره روز گذشته بود که گویا آزمایش دی‌ان‌ای سرنوشت مرحوم رکن‌آبادی را مشخص کرد و یک نفر به فهرست کشته‌شدگان حادثه منا اضافه کرد و گفته می‌شود برنامه‌ریزی‌های مربوطه برای انتقال پیکر او به تهران نیز انجام شده و پیکر او بامداد امروز به تهران منتقل می‌شود. به گزارش فارس، همچنین قرار است آزمایش‌های نهایی دی‌ان‌ای بار دیگر در ایران انجام شود. عربستان تعداد جان‌باختگان این حادثه را کمتر از ۷۵۰ نفر اعلام کرده است. این در حالی است که به گزارش ایسنا، پیش‌بینی می‌شود این تعداد بیش از هفت هزار نفر باشد. رسانه‌های غربی این تعداد را تا دوهزارو ۵۰۰ نفر عنوان کرده‌اند.

کمیته حقوقی وزارت خارجه فعال می‌شود

دادستان کل کشور با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه موضوع فاجعه منا نباید فراموش شود، گفت: «ما هم وظیفه پیگیری این موضوع را داریم البته خط مقدم این قضیه وزارت امور خارجه است». رئیسی گفت: «وزارت خارجه باید یادداشتی را به بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل جهت تشکیل کمیته حقیقت‌یاب ارسال کند». او اضافه کرد: «به نظرم همچنان مسئله منا نامشخص بوده و تلاش سعودی‌ها آن است که ابعاد این قضیه برای جهانیان روشن نشود». رئیسی گفت: «ما معتقدیم که اگر می‌خواهیم امنیت آینده حج تامین شود باید ابعاد این فاجعه عظیم روشن شود، بنابراین تأکید می‌کنیم که مسئله حادثه منا باید دنبال شود». او با بیان اینکه قرار است سازمان حج و همه بخش‌های حقوقی یک کمیته حقوقی را زیر نظر معاونت کنسولی وزارت امور خارجه تشکیل دهند، گفت: «این کمیته از این هفته فعال می‌شود و ما هم به‌عنوان دادستانی کل این موضوع را پیگیری می‌کنیم تا این مسئله و حقوق جان‌باختگان با گذشت زمان دچار فراموشی نشود».